

**ماجرای عشق و عاشقی میدون**

**دهکده جهانی به بلانکارت**



**پوریاء عالمی**

● آدم می‌ماند خوشحال بشود یا ناراحت. چرا؟ چون تا دیروز اروپا می‌گفت شهروندانش امنیت ندارند بیاینده کشورهای آسیایی و خاورمیانه. الان دست‌برقضا طوری شده که ماها بخواهیم برویم سفر فرانسه و آلمان و... خانواده استرس می‌گیرند و زارزار گریه می‌کنند که خیلی مراقبت باش که سالم برگردی. واقعا تلخ است.

**رنگ آسمان همه‌جا و رنگ خیابان همه‌جا**

سوفیا من می‌خواستم از دست بابای تو، تو و عشق تو را ول کنم و بروم اروپا چی چی استریت تا تو را فراموش کنم. الان طوری شده که همه خیابان‌ها قرمزرنگ شده‌اند. سوفیا... سوفیا... آسمان همه‌جا یک رنگ است؟ من نمی‌دانم. ولی الان به زحمت دوستان طوری شده که خیابان همه‌جا یک رنگ شده؛ رنگ قرمز. رنگ قرمز.

**به بلانکارتتمیم**

قدیم می‌گفتند تبیل نرو تو سایه، سایه خودش میایه. الان می‌گویند نرو به بلانکا، بلانکا خودش به سمت تو می‌آید. نمی‌دانید هم بدانید که به بلانکارتفن، به این سادگی‌ها نیست. الان ساده شده و آدم‌ها راحت به بلانکا می‌روند. بلانکا نه‌تنها در سراسر خاورمیانه که جدیدا در اروپا هم شعبه زده است. درواقع قدیم قرار بود همه در یک دهکده جهانی زندگی کنیم، الان همه در بلانکا زندگی می‌کنیم.

**صادرات غیرنفتی**

خوشبختانه یا متأسفانه منطقه خاورمیانه دارد در صادرات غیرنفتی خودکفا می‌شود. منتها عیش این است که الان مهم‌ترین صادرات غیرنفتی‌اش کمربرد انتحاری است.

**گهی انتحاری به پشت و گهی پشت به انتحاری**

تا دیروز همه می‌رفتند اروپا که آرام زندگی کنند. الان اروپایی‌ها باید بیایند ور دل ما که در آرامش زندگی کنند. داریم به کجا می‌رسیم؟ به چه قیمتی؟

**وصیت**

سوفیا یک‌طوری شده دنیا که آدم از یک ثانیه بعدش خبر ندارد. ممکن است یکی بغلت کند و انتحاری باشد. سوفیا... سوفیا... تو امن باش... هزاربار بیا همدیگر را دوست داشته باشیم و بلندپروازی کنیم... شاید این خوشونت کوتاه بیاید.

# شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۴ مرداد ۱۳۹۵ • ۲۰ شوال ۱۴۳۲ • ۲۵ جولای ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۳۹ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۴ • اذان صبح فردا ۴:۲۹ • طلوع آفتاب ۶:۰۸

**روزنارفرا**

fardashargh@gmail.com

**کارتون خواب**

**ساسان خادم**



**نگاه**

**خانه «توران»  
و تمرینی برای مدنیت**



**علی کرمانیان  
معمار**

● در هفته‌ای که گذشت تخریب بنای تاریخی خانه توران، خانه‌ای منتسب به ملکه توران، زن سوم رستمخان پهلوی، از سوی گروهی از معماران حرفه‌ای و شهروندان تهرانی به ارگان‌های ذی‌ربط اطلاع‌رسانی شد و در همکاری نزدیک شهرداری تهران، وزارت راه و شهرسازی، سازمان میراث فرهنگی و کمیته امداد امام‌خمینی (ره) و با رایزنی‌های انجام‌شده از سوی گروه معماری که پیشینه تاریخی بنا را در اختیار ارگان‌ها قرار داده بودند، درنهایت به صورت موقتی تخریب این بنا برای تعیین تکلیف کارشناسی متوقف شده و همچنین بنا از سوی سازمان میراث فرهنگی و به استاد مدارک ارائه‌شده، ثبت اضطراری شده است.

در بستر اجتماعی- سیاسی و فرهنگی امروز ایران، مجموعه اتفاقات حول موضوع خانه توران حائز اهمیت بسیار است. شاید حکایت ثبت خانه تاریخی توران بتوانند شروعی برای بسترسازی‌های آتی فرهنگی در به رسمیت‌شناختن ارزش تاریخی بناهای دوران معاصر ایران باشد. ارزش فرهنگی این‌گونه بناها کم از بناهای چند هزارساله تاریخ معماری فلات ایران نیست و باید فرهنگ‌سازی‌های گسترده‌ای در راستای حفظ و مستندسازی، احیا و محقق‌کردن ملزومات بهره‌مندی شهروندان از حق استفاده آنها صورت گیرد.

میراث معاصر معماری ایران بعضا در تملک بخش خصوصی است و درنتیجه ارائه راه کار حفظ آنها مقوله‌ای پر از چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

در صورتی‌که املاکی این‌چنینی تحت تولید ارگان‌های دولتی باشد، با توجه به اینکه حفظ میراث فرهنگی ماهیتا از حقوق عمومی است، بدون شک حفاظت از آنها در شرح تعهدات رسمی این ارگان‌ها به‌عنوان حق‌الناس و بیت‌المال است. به‌هرحال، چه با مالکیت خصوصی و چه در تولید بخش دولتی، همکاری بین ارگان‌های دولتی و شهروندان برای حفظ این آثار، باید از اولویت‌های جامعه و مدیریت شهری در سراسر ایران باشد.

حال، با توجه به تجربه بسیار موفق که به‌واسطه همکاری شهروندان و ارگان‌های درگیر در موضوع خانه توران اتفاق افتاده است، گروه تلگرامی توران متشکل از مجموعه‌ای از مدیران تصمیم‌گیرنده و شهروندان معمار و اصحاب رسانه، برآند تا در رایزنی‌ها، از شش ارگان شامل معاونت علمی- فناوری ریاست جمهوری، وزارت راه و شهرسازی، شهرداری تهران، شورای شهر تهران، کمیته امداد امام‌خمینی(ره) و هیاتی متشکل از شهروندان معمار برای رایزنی‌های کارشناسی درباره آینده این بنا و سایر بناهای معاصر حائز اهمیت، در یک کارگروه تخصصی دعوت کنند.

دعوت از این ارگان‌ها از جانب مؤسسه پژوهشی مطالعات کلان‌شهر تهران صورت می‌گیرد و امید است در این رایزنی بین ارگان‌ها و شهروندان در خانه گفتمان معماری و شهر، بنایی از آثار معماری معاصر وارطان که در دو سال اخیر بازسازی و احیا شده است، برگزار شود.

شهروندان درگیر در این رایزنی‌ها صمیمانه امیدوارند تجربه خانه توران پایه‌گذار فرهنگ همکاری و همیاری ارگان‌های تصمیم‌گیرنده در شهر و شهروندان در چارچوب مدنیت و برای حفظ و احیای میراث معاصر معماری ایران باشد.

**سلام به فردا**

## اردک ولک‌لک را از چین وارد می‌کنیم

محیط شهری‌شان تصمیم‌گیری می‌کنند که مسئولان ما یک‌تته تصمیم می‌گیرند در کشوری که شش‌هزار سال تاریخ مجسمه‌سازی دارد، اردک و لک‌لک از چین وارد و در بزرگراه‌ها نصب کنند؟! این مگر چیزی جز بی‌اعتنایی به فرهنگ ملی است؟ این بدسلیقگی که بدسلیقگی بچرخد، رنج این بدسلیقگی را سال‌هاست که می‌بریم. از آن می‌گوییم و می‌شنویم اما کو گوش شنوا؟ وقتی صدواسیمای کشور که تاثیر گسترده‌ای بر سلیقه عمومی کشور دارد، از لباس گویندگان تا دکور و چیدمان صحنه‌اش از نظر بصری نه‌تنها چشم‌نواز نیست که نشان از نازل‌ترین سطح سلیقه دارد، چگونه منتظر هستیم که سلیقه خوب در جامعه گسترش پیدا کند. بخش دیگری از این نابسامانی و بدسلیقگی مفرط بر دیوارهای شهرمان نقش بسته است. آنها که آسمان بالای سرمان را می‌فروشند، بزک‌کردن بدسلیقه، بدرنگ و بی‌هویتی دیوارهای شهر را هم برعهده گرفته‌اند. در کجای دنیا بدون مشورت و مشاوره هیأت امنایی از هنرمندان و کارشناسان یک کشور، از نقاش و مجسمه‌ساز تا جامعه‌شناس و روان‌شناس برای

گاه از خودم می‌پرسم کجا زندگی می‌کنم؟ من در کشوری هستم که نقاش و مجسمه‌ساز و طراح لباس و دکور و گرافیسیت و خلاصه هنرمندان بسیاری دارد اما گویی همه این سرمایه‌ها یکجا نادیده گرفته شده‌اند. به همین خاطر است که یک روز یک وزیر می‌آید و می‌گوید که نقاشی را از دروس حذف کرده است، فردایش موزه را تبدیل به چلوکبابی می‌کنند، پس فردا بناهای تاریخی را به دست بولدورز می‌سپارند و روز بعد هم درختان کهن را قطع می‌کنند تا به‌جایش ساخت‌وساز کنند. صدای هنرمندان هم به گوش هیچ‌کس نمی‌رسد.

**روایت**

### جنگ تمام شد، ما بی‌شناسنامه ماندیم

«خانه‌ها براساس ردیف و قطعه، مشخص می‌شد. به‌جز زمستان‌های سرد لرستان، خاطره تلخی از آن دوران در ذهنم نیست چون دولت همان‌طور که به ایرانی‌ها کوبین می‌داد، به ساکنان اردوگاه هم رسیدگی می‌کرد. در همان اردوگاه دبستان رفتم. مدرسه راهنمایی آن سوی دیوار و در بخش آبادانی‌ها بود. برای دبیرستان‌رفتن هم به شهرستان ازنا می‌رفتیم. البته نمی‌توانستیم از اردوگاه خارج شویم بدون آنکه جایی ثبت شود». اما جنگ روزی به پایان رسید و زندگی به روال عادی برگشت. آن روزها را زهرا این‌طور به‌خاطر می‌آورد: «پس از جنگ آبادانی‌ها به شهرشان برگشتند. اما ما به دلیل شرایط سیاسی عراق نمی‌توانستیم برگردیم. از طرفی زندگی در اردوگاه دیگر سخت شده بود. تنها مشاغلی که در ازنا برای مردان پیدا می‌شد، سنگ‌بری یا کارهاییدی سخت و باربری بود. به‌همین‌دلیل کم‌کم معاودان تصمیم گرفتند به شهرهای دیگر بروند. بخشی از آنها به اصفهان آمدند و در منطقه زینیه ساکن شدند. ما هم سال ۱۳۷۴ آمدمیم ولی بعضی‌ها که از نظر مالی توان پرداخت هزینه سفر و کرایه خانه در یک شهر دیگر را نداشتند، ماندند. البته عرب‌ها بعد از سقوط صدام به عراق برگشتند». درحال حاضر ۵۰ خانواده هنوز در ابادن زندگی می‌کنند. این خانواده‌ها به‌گفته زهرا، همان زمان ورود به اردوگاه کارت‌های اقامت دریافت کردند؛ کارت‌هایی که حالا دیگر منسوخ شده است. زهرا توضیح می‌دهد: «من برای رفتن به دانشگاه دچار مشکل بودم چون کارت اقامتم دیگر اعتبار نداشت. به‌همین‌دلیل مجبور شدم به عراق بروم و پاسپورت و تابعیت عراقی بگیرم. ولی مسئله اینجاست که ما ساکنان ایران هستیم و خودمان را ایرانی می‌دانیم و دیگر نمی‌توانیم به عراق برگردیم». وضع آنها که در اردوگاه مانده‌اند حتی از این هم بدتر است. آنها نه مدارک معتبر اقامتی و شناسنامه دارند و نه امکانات رفاهی در اردوگاه برایشان باقی‌مانده است. اباذری‌های باقی مانده مصداق این ضرب‌المثل هستند: «نه راه پیش دارند، نه راه پس!».

**گزارش فردا**

### برای دنیا دعا کنیم

این حادثه اعلام همدردی کرده‌اند. «هیلازی کلینتون» با محکوم‌کردن این حمله در حساب کاربری‌اش در شبکه اجتماعی توئیتر نوشته است که «ما در کنار افغانستانی‌ها و در برابر ترور می‌ایستیم». «جرمی کوربین»، رهبر حزب کارگر بریتانیا، هم پس از این حمله در توئیترش نوشت: «کابل مورد حمله‌ای وحشتناک قرار گرفته است. فکر ما پیش قربانیان و خانواده‌های آنهاست».



خوشونت دنیا را فرا گرفته است. امیدوارم صلح جای آن را بگیرد». با وجود این، برخی نیز نسبت به سکوت خبری‌ای که پیرامون این حمله تروریستی در شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی شکل گرفته است اعتراض دارند. یکی از معروف‌ترین چهره‌هایی که علیه این سکوت خبری موضع گرفته، «جو ویلیامز»، از دبیران ارشد «ان‌بی‌سی‌نیوز» است. او با انتشار عکسی از برج ایفل که پس از حمله مونیخ به رنگ پرچم آلمان درآمده است، در شبکه اجتماعی توئیتر، نوشت: «در مونیخ ۹ نفر جان باخت‌اند اما تعداد کشته‌شدگان حمله کابل ۸۰ نفر است. شاید بهتر باشد برج ایفل به رنگ پرچم افغانستان درآید، نه به رنگ پرچم آلمان».

از شرق تا غرب، از نیس فرانسه تا کابل افغانستان، دیروز بازار هشتک «برای نیس دعا کنید» در شبکه‌های اجتماعی داغ شده بود و امروز «برای کابل دعا کنید». هر دو کشور قربانی تروریسم کور داعشی شده‌اند. تعداد کشته‌گان ۸۰ نفر رسیده است؛ کشتگانی که برای دفن آنها زمینی فراخ در نظر گرفته شده و برای کندن قبرها قرار است از بیل مکانیکی استفاده شود. انتشار عکس این زمین و بیل مکانیکی مشغول کار، واکنش زیادی در شبکه‌های اجتماعی به‌دنبال داشته

و بسیاری آن را به اشتراک گذاشته‌اند. اما این تنها تصاویر دردناک منتشرشده از حمله انتحاری به تظاهرکنندگان جنبش روشنائی نیست.

برخی از خانواده‌های قربانیان، تصاویر عزیزانشان را روی اتومبیل‌هایشان نصب کرده‌اند و از آنها با عنوان شهید نام برده‌اند. کشته‌شدگان حمله روز شنبه کابل از شیعیان هزاره بوده‌اند و به همین علت یک هشتک دیگر در شبکه‌های اجتماعی ترند شده است که از مسئولان افغانستان می‌خواهد میدانی را در شهر کابل به نام «شهدای هزاره» نام‌گذاری کنند. مسئولان افغانستان اگرچه این حمله را محکوم کرده‌اند؛ اما از اینکه قرار است میدان یا خیابانی به نام کشته‌شدگان این حادثه شود، سخن نگفته‌اند. «محمد اشرف غنی»، رئیس‌جمهور افغانستان، هم اعلام کرده است که انتقام سختی از عاملان این حمله خواهد گرفت.

از دیگر کشورهای جهان نیز سیاست‌مداران با قربانیان